

با دیگری

پژوهشی در افکار میان فرهنگی و آیین گفتگو

www.ketab.ir

مصلح، علی اصغر، ۱۳۴۱ -
با دیگری: پژوهشی در تفکر میان فرهنگی / علی اصغر مصلح.
تهران: نشر علمی، ۱۳۹۷.
۵۶۸ ص.
۹۷۸-۹۶۴-۴-۳۰۳-۴
فیبا
پژوهشی در تفکر میان فرهنگی و آیین گفتگو.
ارتباط میان فرهنگی
Intercultural communication
ارتباط و فرهنگ
Communication and culture
ارتباط میان فرهنگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
Intercultural communication -- Religious aspects -- Islam
ادیان -- روابط
Religions -- Relations
HM۱۲۱۱/م۶ب۲ ۱۳۹۷
۳۰۳/۴۸۲
۵۴۱۲۴۷۷

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی
عنوان دیگر:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:



نشر علمی

خ. انقلاب، پ. ۲، فروردین، خ. شهدای زاندارمری، پلاک ۱۰۳
فکس ۶۶۴۶۰۳۰۷

با دیگری

پژوهش در سیر تحول فرهنگی و آیین گفتگو

علی اصغر مصلح

ر.د. نگاه علامه طباطبائی

چاپ اول: ۱۳۹۷

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۷۳-۴

حق چاپ محفوظ است

مرکز پخش

خ. انقلاب، پ. ۱۲، فروردین، خ. شهدای زاندارمری، پلاک ۱۰۳

تلفن ۶۶۴۶۰۵۱۱-۱۲ / ۶۶۴۶۳۰۷۲

فهرست کوتاه مطالب

در بارهٔ این دفتر	۱
درآمد	۹
فصل اول: مناسبات انسانی و نسبت «دیگری»	۲۷
فصل دوم: فلسفهٔ میان‌فرهنگی و تفکر زیستن با «دیگری»	۱۲۱
فصل سوم: گفتگوی فرهنگ‌ها	۲۸۱
فصل چهارم: «باهم‌زیستن» در فرهنگ اسلامی	۳۶۹
فصل پنجم: نسبت با «دیگری» در فرهنگ ایرانی	۳۹۷
فصل ششم: مسائل مشترک جهانی و راههای پیش‌رو	۴۵۹
سخن آخر	۵۱۵
کتابنامه	۵۱۹
نمایهٔ نام‌ها	۵۳۵
نمایهٔ اصطلاحات	۵۴۵

فهرست تفصیلی مطالب

۱.....	دربارهٔ این دفتر
۴.....	جهت‌گیری این دفتر
۹.....	درآمد
۱۲.....	چرا فلسفه؟
۱۳.....	شرایط گفتگر در افق میان‌فرهنگی
۱۵.....	فرهنگ و جهت‌گیری تفکر میان‌فرهنگی
۱۸.....	درد بی‌حویثی
۲۰.....	تراژدی «با دیگری» نستر
۲۳.....	حکمت در فرهنگ‌ها
۲۵.....	نظریهٔ اعتباریات و موضوع «دیگری»
۲۷.....	فصل اول: مناسبات انسانی و نسبت با «دیگری»
۲۹.....	مسألهٔ «باهم‌بودن»
۳۰.....	تفاوت انسان‌ها
۳۱.....	تأملی فلسفی در بارهٔ «من» و «دیگری»
۳۳.....	قدرت «دیگری» در تأثیر بر «من»
۳۶.....	نسبت «من» و «دیگری» بنیان تأملات در دیگر حوزه‌ها
۳۷.....	بازاندیشی مقولات فلسفی در پرتو مسألهٔ «دیگری»
۴۰.....	دعوت به جستجوی حقیقت
۴۲.....	دو وجه اندیشه و ساختار در نسبت با «دیگری»
۴۴.....	تکنولوژی و مناسبات انسانی
۴۷.....	دوگانهٔ ستیز یا گفتگو
۵۰.....	شرایط تحقق گفتگو در متن زندگی

۵۱	افزایش نسبت‌های «من» و «دیگری»
۵۴	«دیگری» کمتر از «من»
۵۶	تقابل منافع با «دیگری»
۵۷	وجود «دیگری» پیش از انعقاد «من»
۵۸	«دیگری» در فرهنگ مدرن
۶۰	همگرایی و واگرایی و اسباب آن
۶۵	نظریه کثرت و وحدت فلاسفه
۶۹	تکلیف فلسفه بر شرایط معاصر
۷۱	نسبت‌داری و مصالح‌گرفتن از نسبتها
۷۴	ویژگی‌های خاص جهان معاصر
۷۵	جهان پسانیمیه‌ای
۸۱	تصور انسانیت و هویت انسان
۸۷	بحران هویت
۸۹	مهاجرت پدیده ویژه جهان معاصر
۹۱	خشونت و ریشه‌های آن
۹۴	تاریخ‌ستیزی
۹۶	تعارضات و جنگ‌های انسان
۹۷	دوگانه صلح و جنگ
۹۹	طرح صلح جهانی
۱۰۵	صلح و مفاهیم
۱۰۹	لزوم پرسش مجدد از صلح
۱۱۲	چشم‌اندازی برای آینده مناسبات با «دیگری»
۱۱۴	مرکز و پیرامون

۱۱۶	پناه جستن به خرد مهرورز
۱۲۱	فصل دوم: فلسفه میان فرهنگی و تفکر زیستن با «دیگری»
۱۲۳	خاستگاه و جهت گیری بینش و تفکر میان فرهنگی
۱۲۶	روایت کیمرله از مسیرش به سوی تفکر میان فرهنگی
۱۲۸	«بینش» میان فرهنگی
۱۳۱	لوازم زیستن در جهان معاصر
۱۳۳	ثبات در ورها در فرهنگ های گذشته
۱۳۵	نسبی گرایی و بست شدن ذات باوری
۱۳۸	شباهت و اختلاف فرهنگ ها
۱۴۳	پیدایش «انسانیت» در
۱۴۵	شان گفتگو در اندیشه میان فرهنگی
۱۴۷	حفظ هویت خویش و نسبت با «دیگری»
۱۵۱	میانۀ هویت خویش و «دیگری» متفاوت
۱۵۲	مسیر فلسفه میان فرهنگی
۱۵۴	ایستادن در میانه
۱۵۵	«فلسفه» از منظر میان فرهنگی
۱۶۰	نسبت فلسفه با دیگر مقولات
۱۶۲	شکل گیری حوزه فلسفه میان فرهنگی
۱۶۵	روایت های مختلف از فلسفه میان فرهنگی
۱۶۶	قرائت میان فرهنگی آثار متفکران گذشته
۱۷۰	هیدگر و سوق دادن تفکر به فضای میان فرهنگی
۱۷۲	«فلسفه» در ترکیب فلسفه میان فرهنگی
۱۷۵	توضیح مفردات «فلسفه میان فرهنگی»

۱۷۶	تاریخ فلسفه از منظر فلسفه میان فرهنگی
۱۷۸	برخی مشترکات در روایت‌ها از فلسفه میان فرهنگی
۱۸۱	فلسفه میان فرهنگی با تقریر مال
۲۰۸	روایت کیمرله از فلسفه میان فرهنگی
۲۱۸	فلسفه میان فرهنگی به روایت گئورگ اشتنجر
۲۲۷	مدرسه کب تو
۲۳۸	فلسفه میان فرهنگی به مثابه یک پروژه
۲۴۰	نمودن ویتگنشتاین از فکر میان فرهنگی در تهران
۲۴۵	گرایش به تفکر میان فرهنگی در شمال آفریقا
۲۴۷	نظریه ادراکات ال‌تبااین مبانی برای طرح فلسفه میان فرهنگی
۲۴۹	فلسفه تطبیقی و فلسفه میان فرهنگی
۲۵۱	شرایط فرهنگ و فکر در ایران مدرن
۲۵۳	اولین آثار فلسفه تطبیقی
۲۵۵	هانری کرین و فلسفه تطبیقی
۲۵۷	سید احمد فردید (۱۳۷۳-۱۲۸۹)
۲۵۹	ایزوتسو (۱۹۹۳-۱۹۱۴)
۲۶۰	سید حسین نصر (-۱۳۱۲)
۲۶۱	مارکسیست‌ها
۲۶۱	علامه طباطبائی (۱۳۶۰-۱۲۸۱)
۲۶۲	مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸)
۲۶۴	مهدی حائری یزدی (۱۳۷۸-۱۳۰۲)
۲۶۵	رضا داوری (-۱۳۱۲)
۲۶۶	داریوش شایگان (۱۳۹۷-۱۳۱۷)

جریان روشنفکران دینی	۲۶۷
فلسفه تطبیقی و غرب‌شناسی	۲۶۹
تفاوت‌های فلسفه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی	۲۷۱
روایتی از نسبت مطالعه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی	۲۷۳
انتقال از فلسفه تطبیقی به فلسفه میان‌فرهنگی	۲۷۵
علوم انسانی با جهت‌گیری میان‌فرهنگی	۲۷۸
فصل سوم: گفتگوی فرهنگ‌ها	۲۸۱
مطالعات حوزه‌های تمدنی-فرهنگی و مشارکت در مسائل جهانی	۲۸۴
نرم‌سازی و بارها: مقابل «دیگران»	۲۸۷
سابقه «گفتگو» در تاریخ فرهنگ‌ها	۲۸۹
تأثیر مناسبات تاریخی در گفتگوی فرهنگ‌ها	۲۹۰
زمینه‌های عینی و تاریخی گفتگو	۲۹۲
توجه به تفاوت‌های بنیادی فرهنگ‌ها	۲۹۴
خویش‌شناسی فرهنگی	۲۹۷
بازاندیشی اندیشه‌های بنیادی هر فرهنگ	۲۹۹
دعوت به گفتگوی فرهنگ‌ها و مناسبات قدرت	۳۰۰
ترجمه و گفتگوی فرهنگی	۳۰۳
گفتگوی همدلانه فرهنگ غرب با سایر فرهنگ‌ها	۳۰۵
تغییر تلقی از شرق و غرب	۳۰۸
گفتگو به مثابه یک مبنای فلسفی	۳۰۹
تجربه‌های دیگر و حکمت‌های شرقی	۳۱۲
سنت‌های فرهنگی و چالش‌های پیش‌رو	۳۱۸
رفتارهای مختلف برای حفظ سنت‌ها	۳۲۱

شرایط و تجویزها برای گفتگوی فرهنگی	۳۲۵
خواست گفتگو	۳۲۵
ویژگی‌های اهل گفتگو و شیوه‌های آن	۳۲۸
حوزه‌های تمدنی-فرهنگی	۳۳۳
آمریکا و آینده جهان	۳۳۹
حوزه فرهنگی آفریقا	۳۴۱
گفتگو فرهنگ‌ها به‌عنوان یک طرح	۳۴۴
گفتگو ادیان	۳۴۶
اهمیت گفتگو ادیان در دوران فرهنگ جهانی	۳۴۶
تجارب مشابه ادیان در مقابل فرهنگ مدرن	۳۴۹
روندهای جاری در حوزه گفتگوی ادیان	۳۵۰
ادیان جهان معاصر	۳۵۱
مناسبات اسلام و مسیحیت	۳۵۶
صورت‌های جدید دینداری و لزوم مشارکت در تحولات جدید	۳۶۲
ملاحظات برای فعالیت‌های دینی معطوف به گفتگو	۳۶۷
فصل چهارم: «باهم‌زیستن» در فرهنگ اسلامی	۳۶۹
اسلام به‌مثابه دین، فرهنگ یا قدرت؟	۳۷۱
پراکندگی دین اسلام در جهان معاصر	۳۷۲
وضع ویژه خاورمیانه	۳۷۳
رفتار کنونی فرهنگ اسلامی	۳۷۶
ریشه‌های خشونت در کشورهای اسلام	۳۷۹
اسلام سیاسی و اسلام فرهنگی	۳۸۱
امکان‌های مختلف نسبت اسلام و غرب	۳۸۳

۳۸۷		کوشش برای بهبود نگاه به یکدیگر
۳۸۹		فرهنگ اسلامی در کدام مسیر قرار دارد؟
۳۹۱		فرهنگ اسلامی و تفکر میان فرهنگی
۳۹۷		فصل پنجم: نسبت با «دیگری» در فرهنگ ایرانی
۳۹۹		درباره نحوه نگرستن به فرهنگ خویش
۴۰۰		ایران به مثابه یک فرهنگ
۴۰۱		تاریخ ایران و تجربه زیست با «دیگری»
۴۱۴		میل به تالیف در فرهنگ ایرانی
۴۱۵		برخی از ویژگی‌ها: فرهنگ ایرانی در نسبت با «دیگری»
۴۱۷		تجربه گفتگو در فرهنگ ایران
۴۲۰		روشنفکری در فرهنگ ایران مدرن
۴۲۲		روشنفکران مبارز و انقلاب
۴۲۷		روحانیت ایران
۴۲۹		ایران در کدام مسیر؟
۴۳۳		نیاز به همگرایی در فرهنگ ایرانی
۴۳۶		عرفان اسلامی در ایران
۴۳۶		اهمیت عرفان از منظر فلسفه میان فرهنگی
۴۴۰		نحوه گسترش عرفان در ایران
۴۴۳		تجارب بنیادی عارفان و تأثیر آن در نگاه به «دیگری»
۴۴۷		بیانی دیگر از نسبت من با «دیگری»
۴۵۱		حکایتی نمادین در مثنوی
۴۵۳		افق آشتی موسی و فرعون
۴۵۴		مهر پایه نسبت‌داری آدمی

۴۵۵	 استعدادهای متفاوت در عرفان اسلامی
۴۵۹	 فصل ششم: مسائل مشترک جهانی و راههای پیشرو
۴۶۱	 جهت زمانه و اقتضائات «باهم زیستن»
۴۶۲	 مسائل مشترک فرهنگ‌ها
۴۶۵	 ظهور انسان به مثابه قدرت
۴۶۷	 متفکران و مسأله قدرت
۴۷۰	 آیا باغبی یکپارچه روبرو هستیم؟
۴۷۵	 مدرنیته ضعیف و بدایای متهم
۴۷۷	 واکنش‌ها به جهانی شدن
۴۷۸	 همگرایی در شرایط جهانی شدن
۴۸۰	 فرآیندهای جهانی و تفاوت‌های انسانی
۴۸۴	 تفاوت ما و گذشتگان در درک «تفاوت»
۴۸۶	 تفاوت‌های انسانی به عنوان موضوعی میان فرهنگی
۴۸۷	 وحدت و کثرت الگوهای فرهنگی
۴۹۱	 تصور رسیدن به قواعد و مقررات انسانی مشترک
۴۹۲	 آینده «گذشته»
۴۹۳	 امید به یافتن مشترکات
۴۹۵	 مناسبات کلان سیاسی در جهان معاصر
۴۹۷	 سازمان ملل و بیانیه حقوق بشر
۵۰۱	 روندهای انقلابی و اصلاحی
۵۰۴	 «دعوت» به مثابه موضوعی میان فرهنگی
۵۰۶	 راه‌های بی بازگشت
۵۰۷	 مناسبات با «دیگری» و چشم اندازه‌ها

۵۰۸.....	گفتگو (پلی لوگ) مبنایی برای «باهم زیستن»
۵۱۰.....	آینده روندهای جاری
۵۱۵.....	سخن آخر
۵۱۹.....	کتابنامه
۵۱۹.....	منابع فارسی
۵۲۹.....	منابع غیرفارسی
۵۳۵.....	نمایه نام‌ها
۵۴۵.....	نمایه اصطلاحات

درباره این دفتر

تفاوت و گوناگونی از اساسی‌ترین قواعد زندگی آدمی است. انسان ناچار است «با دیگران» زندگی کند که در طبیعت و درک و خواسته و اعتقادات با او تفاوت دارند. بخش بزرگی از اندیشه و کوشش آدمی صرفِ درک «دیگری» و همراهی یا رویارویی با «دیگران» می‌شود. تفاوت‌ها با نوع طبیعی آنها شروع می‌شود و تفاوت‌های فرهنگی بر آن افزوده می‌گردد. اختلافات دو خاستگاه داشته‌اند: یکی منافع متعارض، دیگری دانایی و اعتقادات متضاد. مشکل از جایی آغاز می‌شود که هرچند انسان‌ها برای اداره و بهبود زندگی و یافتن راه‌های مستغاری و نجات می‌کوشند، اما همواره راه‌های مختلف و متعارضی در پیش می‌گیرند. اختلاف راه‌ها و رفتارها، اغلب باعث بروز چالش، نزاع و ستیز می‌شود. وجه درونی و مبدا و ریشه‌وار (تراژیک) زندگی آدمی از جایی آشکار می‌شود که انسان درمی‌یابد که هنوز در تکرار جزء لازم زندگی اوست و همین جزء لازم، منشأ تقابل و نزاع است. هر انسانی به اقتضای محل تولد و تربیت و وابستگی‌هایش هویتی پیدا می‌کند. هویت، لازمه اداره زندگی است. اما همین هویت و تعیین‌ها و نسبت‌ها، در مرحله‌ای دیگر اسباب رویارویی می‌شوند.

انسان به اقتضای انسان‌بودن، همواره برای به‌زیستی و رستگاری و نیل به قدرت بیشتر و حقیقت والاتر کوشیده، اما به اقتضای زندگی جمعی و با هم‌ایستادن خود را در مقابل «دیگری» یافته است. مشکل «دیگری» آن است که هم‌یار است و هم دشمن، هم مایه آرامش و امنیت است و هم مایه ناآرامی و نگرانی. انسان ناگزیر از زیستن با «دیگرانی» است که هم می‌توانند بهشت او باشند و هم جهنم او. «دیگری» چه گرگ من باشد و چه نیکخواه من، ناگزیرم که با وی زندگی کنم. مهم‌ترین نسبت‌های آدمی، در نسبت با «دیگری» شکل می‌گیرد. من در نسبت با «دیگری»، یا نسبت دوستی

و شفقت و صلح دارم و یا نسبت دشمنی و کینه‌ورزی و جنگ. مهم‌ترین حوادث زندگی انسان‌ها نتیجه نحوه نسبتی است که با «دیگران» دارند.

پرسش کانونی این دفتر، چیستی و چگونگی راه‌های زیستن با «دیگران» است. برای زیستن با «دیگری» چه بینش و اندیشه و رفتاری باید داشت؟ این پرسش در هر زمانی به‌گونه‌ای مطرح بوده است. نحوه طرح پرسش از «دیگری» در زمان ما، تفاوتی بنیادی با گذشته دارد؛ پرسش از «دیگری» در زمان معاصر به پرسشی اصلی و کانونی تبدیل شده است. امروز گوناگونی و برخورد منافع و اعتقادات، ملموس‌ترین و اساسی‌ترین مسأله پیش روی همه مردم جهان است. با این مسأله و تبعات آن چه باید کرد؟ این پرسش به صورت بنیادی در فلسفه معاصر انعکاس یافته است. بحث درباره «دیگری» بیش از همه در جریانی فلسفی با عنوان «فلسفه میان‌فرهنگی» به اندیشه درآمده است. در جریان شکل‌گیری تئوری «میان‌فرهنگی»، ابتدا اصل مسأله مطرح و تحلیل می‌شود و سپس اندیشه‌هایی که می‌تواند منبسط‌کننده و موجه رفتار خردمندان با «دیگری» باشد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

کسانی که تفکر و فلسفه «میان‌فرهنگی» را مطرح ساخته‌اند، مدعی‌اند که این جهت‌گیری، یکی از مهم‌ترین مسائل زمانه را مورد بررسی قرار داده، اما در این دفتر پیش و بیش از فلسفه میان‌فرهنگی، بر بینش و تفکر میان‌فرهنگی تأکید شده است. تعبیر «بینش» دلالت و ژرفایی بیش از فلسفه دارد. بینش، شناختی نافذ در وجود آدمی است که اندیشه و رفتار از آن برمی‌خیزد. فلسفه میان‌فرهنگی در بهترین حالت می‌تواند صورت مفهومی شده «بینش میان‌فرهنگی» باشد. از سوی دیگر، از رهگذر «بینش میان‌فرهنگی» است که راه «گفتگو» به مثابه یک آیین و مرام و روش زندگی گشوده می‌شود. بنابراین، پرسش کانونی این پژوهش، چگونه‌بودن و چگونه‌زیستن با «دیگری» است.

تفکر میان فرهنگی، پژوهش درباره چگونگی نسبت با «دیگری» را مقصود خود قرار داده است. در همین مسیر است که تفکر میان فرهنگی می تواند به مثابه تفکر مدافع گفتگو مطرح شود. تفکر و فلسفه میان فرهنگی از افقی که با ایستادن در «میانه» فرهنگ ها پدید می آید، مسائل را بررسی می کند. در مقابل مسائل دنیای معاصر، این جهت گیری یکی از مهم ترین افق هایی است که به روی تفکر گشوده شده است. اندیشیدن و عمل برخاسته از افق های خاص تک فرهنگ ها، از جمله افق غرب جهانی شده، از ستیز و نزاع به دنبال نخواهد داشت. برای یافتن راه حل مسائل کلان انسان معاصر، باید به راه نزدیک شدن به این افق دعوت کرد.

برای نزدیک شدن به کانون «تفکر میان فرهنگی» شاید مهم ترین مفهومی که باید در کنار مفهوم «دیگری» به اندیشه د.آید، «انسان» و «انسانیت» باشد. این موضوع از گذشته های دور، در هر فرهنگی، گونه ای به اندیشه درآمده است، اما امروز اندیشیدن به «انسانیت» آن گونه که از افق های خاص تک فرهنگ ها سرخا داریم، چاره کار نیست. همه فرهنگ ها باید فرا روی از دسته های خود و ایستادن در «میانه» را تمرین کنند. تفکر میان فرهنگی درصدد مفهومی ساختن چنین افق هایی است.

تعبیر «میان فرهنگی» هنگام اضافه شدن به «بینش»، «سفر» یا «فلسفه» را باید با انعطاف و گشودگی بیشتری فهمید. انسان، با فرهنگ اندیشه است. به همین جهت، وقتی از «میانه» فرهنگ ها سخن می گوئیم، از انسان در مفاسد های مختلف سخن می گوئیم. در اینجا فرهنگ هم یک فرد انسانی را در بر می گیرد و هم فاعل انسانی حاضر در جمع، قوم و کشور. به بیان دیگر، مهم ترین توصیف های انسان، از طریق فرهنگ به او نسبت داده می شود. وقتی به انسان از وجه فرهنگی بودن اشاره می کنیم، نظر به انسانی داریم که در قالب های مختلف، مثل کشور و منطقه و گروه و دین و آیین ظاهر می شود و دارای نظر و عمل و آفرینش و ساختن است.

برای ورود به مباحث این کتاب، باید درکی عمومی از وضع عالم معاصر و دانشی درخور از مباحث نظری- فلسفی دربارهٔ فرهنگ و مقولات آن داشت. مقصود اصلی این کتاب، آشناساختن مخاطب ایرانی با چهره‌ای خاص از جهان معاصر است. چهره‌ای که بسیاری از موضوعات و مسائل دیگر بدان وابسته است. پیش از این کتابی با عنوان *فلسفه فرهنگ* در سال ۱۳۹۳ منتشر شد، که درصدد آشنا ساختن خواننده ایرانی با شیوه تفکر فلسفی دربارهٔ «فرهنگ» بود. کتاب با رجوع به مهم‌ترین فیلسوفان غربی و اسلامی می‌خواست معنای موجود طبیعی- فرهنگی بودن انسان را بیان کند و توضیح دهد که چرا برای درک عمیق انسان، باید فرهنگی بودن او را فهمید. در آن کتاب نحوهٔ تطور فرهنگ از دوران قدیم تا زمان معاصر مورد پژوهش قرار گرفت و مسائل مهم انسان معاصر از منظر فرهنگی بیان، به‌طور اجمال بررسی شد. آن کتاب می‌تواند مقدمهٔ مناسبی برای ورود به مباحث این دفتر به حساب آید. آنچه در دفتر حاضر با عنوان «بینش، تفکر و فلسفهٔ میان‌فرهنگی» آمد نه به‌عنوان یک بحث جزئی یا فرعی، بلکه یکی از مهم‌ترین ثمرات تفکر فلسفی دربارهٔ فرهنگ در جهان معاصر است.

جهت‌گیری این دفتر

آنچه در این دفتر آمده، در وهلهٔ نخست به قصد آشناساختن خواننده با جهت‌گیری تفکر میان‌فرهنگی است. از این جهت، گزارش این دفتر نمودار از جهان فلسفهٔ معاصر برای مفهومی‌ساختن و عرضهٔ طرحی برای قرارگرفتن در مسیر حل مسائل جهان معاصر است. قصد دیگر نگارنده، پیوند دادن سنت فلسفی و به‌خصوص تفکر فلسفی ایران معاصر با مسائل انضمامی‌تر عالمی است که در آن زندگی می‌کنیم. در همین مسیر مقصود دیگری که در نظر بوده، رویارویی مستقیم با مسائل زمان معاصر و کوشش برای عرضهٔ توان فرهنگ ایرانی در جهتی است که بدان فراخوانده شده‌ایم. شاید اگر مقصود و دغدغهٔ دیگری هم به این‌ها اضافه کنیم، خواننده جهت‌گیری این پژوهش را بهتر

دریابد. در جهان پرتلاطم و پرحادثه‌ای که به‌سر می‌بریم، ما نیز مورد پرسش و خطاییم. چقدر در پیدایش بحران‌ها و چالش‌های مرتبط با مناسبات انسانی جهان معاصر سهیم بوده‌ایم و هستیم؟ و چقدر برای رفع آنها و ایجاد جهانی مبتنی بر مهر و عاری از خشونت تلاش کرده‌ایم و رفتار کنونی ما در چه جهتی است و چه نتایجی برای مناسبات انسانی دارد؟ در لابلای سطور این دفتر، خواننده مدام خود را با چنین پرسش‌هایی روبرو می‌بیند.

اما این مقاصد با درگیر کردن خواننده و پژوهشگر ایرانی با جانِ تفکرِ میان‌فرهنگی تحقق می‌یابد. مسأله زیستن با «دیگری»، گفتگو یا ستیز، جنگ یا صلح، هویت یا محو آن، یکسان‌سازی جهان و حفظ تکثر، مسائلی مربوط به افرادی خاص نیست. این گونه موضوعات به همه انسان‌ها مربوط می‌شود. به همین جهت کتابی که می‌خواهد به چنین موضوعاتی بپردازد، نمی‌تواند از همان و شورمندی چنین بحث‌هایی خالی باشد. نمی‌توان از شرایط ایران معاصر و قرار گرفتن در منطقه پرچالش خاورمیانه چشم پوشید و به چنین بحث‌هایی نپرداخت. شاید شرایط تأثیر همین شرایط را در جای جای کتاب احساس کند. اگر چنین نسبتی با جملات کتاب برقرار شد، نشانه قرار گرفتن در مسیر مقصود است.

پس از آماده شدن کتاب بارها اندیشیدم که مهم‌ترین مخاطبان این کتاب چه کسانی خواهند بود. در این اندیشه، به این نتیجه رسیدم که شاید برای مخاطبان کسانی هستند که از «خودآگاهی» نمی‌هراسند. در عالم ما زمینه خودآگاه شدن بیش از گذشته فراهم شده است. چون پایه خودآگاهی، توجه به «دیگری» است و درک عمیق دیگری نیز منشأ خودآگاهی خواهد بود که البته هراس‌آور است و درست، به همین جهت است که بسیاری از مردم از رویارویی با «دیگری» دوری می‌کنند. خودآگاهی گاه با این احساس همراه است که بنیان‌ها کنار می‌روند و انسان در هویت و اصالت و داشته‌های خود تردید می‌کند. این تردید هراس‌آور است. اما به نظر می‌رسد که متفکر امروز، از آن

گریزی ندارد. کسانی که از خودآگاهی، به خصوص از خودآگاهی فرهنگی می‌هراسند و از آن دوری می‌کنند، معمولاً روش‌های منافقانه و متظاهرانه تفکر را درپیش می‌گیرند و یا با پرهیز از غیر، زهدمآبانه در خانه تنگ خویش می‌مانند و به داشته خویش بسنده می‌کنند. اگر تفکر راستین معنایی داشته باشد، باید تردید را به جان خرید و با آن رویارو شد و راستی و امیدواری پیشه ساخت. این کتاب در صمیمانه‌ترین صورت، می‌خواهد انعکاس اندیشه‌ای باشد که در مسیر خودآگاهی فرهنگی قرار گرفته است. در عالم متناثر و رچالش کنونی، تنها راه هم‌زیستی خردمندانه، درک عمیق «دیگری»، وقوف به مسودیت‌های خویش، و درپیش گرفتن آیین و منش «گفتگو» و تفکر در «میانه» است. در این معنا، تفکر میان‌فرهنگی و آیین گفتگو نتیجه اتکاء بر مهر و شفقت خواهد بود.

عنوان «فلسفه میان‌فرهنگی» در ایران از حدود سال ۱۳۸۰ بر زبان‌ها جاری شد. شاید اولین جایی که این عنوان به‌دروقت، در جلسات گروه فلسفه «مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها» بود. از آن‌سال به‌بعد است. آن پژوهشگرانی نظیر محمدرضا حسینی بهشتی، ایرمگارد پین، احمدعلی حیدری، رتضی قاسم‌پور، عباس منوچهری، محمد رضوی‌راد و راقم این سطور، در محافل و نشست‌ها و مختلف در این باره مطالبی گفته‌اند و یا مقالاتی نوشته‌اند. علاوه‌براین، در کلاس‌های درس درباره این قلمرو جدید بحث‌هایی صورت گرفته است: از جمله در درس‌هایی با عنوان «فلسفه فرهنگ» و «فلسفه میان‌فرهنگی» در دانشگاه علامه طباطبائی. تاکنون چند پایانه «ان‌شجویی نیز در این باره به‌رشته تحریر درآمده است. چند دانشجوی ایرانی در آلمان و اتریش در این باره پژوهش‌هایی انجام داده‌اند یا در حال انجام آن هستند. در سال ۱۳۸۵ همایشی با عنوان «فلسفه میان‌فرهنگی و عالم معاصر» در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد و مجموعه مقالات آن منتشر گردید. در سال ۱۳۹۳ انجمنی با عنوان «انجمن فلسفه

میان فرهنگی ایران» به همت تعدادی از استادان و پژوهشگران فلسفه و علوم انسانی تأسیس شد و از آن زمان تاکنون فعالیت‌هایی با همین جهت‌گیری انجام داده است.

این دفتر حاصل مطالعات و اندیشه‌های راقم سطور از حدود سال ۱۳۸۲ تاکنون دربارهٔ پرسش «دیگری» و متعلقات آن و آشنایی با آثار برخی از متفکرانی است که در ذیل عنوان «فلسفهٔ میان فرهنگی» جای گرفته‌اند. باید تأکید کنم که این نوشته بیش از اینکه حاصل پژوهش یا تبعی دانشگاهی باشد، حاصل تجربهٔ زیستهٔ نگارنده در فضاها و حلقه‌های مختلف زندگی در جهان معاصر است. در این سال‌ها توفیق داشته‌ام با برخی از پیش‌گامان این جریان فلسفی آشنا شوم و علاوه بر آثار، از گفتگو و معاشرت با آنها بهره‌مند شوم. از جمله با پرفسور گئورگ اشتنگر و ریوزکه آهاسی و بویکه رهباین مراوداتی داشته‌ام. در مسیر پژوهش فراهم آمده از یاری بسیاری از دوستان و همکاران و برخی دانشجویان بهره‌مند شدم که امکان نام‌بردن از همهٔ آنها نیست. اما بر خود لازم می‌بینم که از برخی به‌طور خاص، سپاس‌گذاری کنم. از دکتر کریستیان هوفمن و دکتر رضا دهقانی به خاطر همراهی در تهیهٔ بخش‌ها و به‌خصوص تهیه و استفاده از منابع تشکر می‌کنم. سرکار خانم نیلوفر ربیعی‌نیا نیز در مراحل آماده‌سازی کتاب مساعدت‌های ارزنده‌ای داشتند که از ایشان هم تشکر می‌کنم. سپاس ویژه تقدیم پژوهشگر جوان جناب محمدمهدی فلاح که کار بازخوانی و کنترل متن را بر عهده گرفت و بالاخره از دوست متفکر جوانم جناب دکتر محمدعلی اردبیلی تشکر می‌کنم که صمیمانه کار ویراستاری نهایی متن را بر دوش گرفتند.

علی اصغر مصلح

دانشگاه علامه طباطبائی

خرداد ۱۳۹۷